



مخاطرات نظام حقوق انحصاری مالکیت معنوی گونه‌های گیاهی

برای کشاورزی پایدار، تنوع زیستی و بذرخودمصرفی

علی رزم‌خواه

مشاور حقوقی مؤسسه توسعه پایدار و محیط زیست (سنستا)

مقدمه

تنوع زیستی به معنای قابلیت تمایز بین ارگانیسم‌های زنده است، از هر منبع که شامل اکوسیستم‌های زمینی، دریایی و دیگر اکوسیستم‌های آبی می‌شود. تنوع زیستی، همچنین شامل ترکیبات اکولوژیکی می‌شود که بخشی از اکوسیستم‌ها را تشکیل می‌دهند. تنوع زیستی، تنوعی از حیات در همه اشکال، سطوح و ترکیبات آن است. از این رو تنوع زیستی یک ویژگی مهم زندگی و حیات است. تنوع زیستی یک منبع تجدید ناشدنی است که از دست دادن آن غیرقابل جبران خواهد بود و هرگز نمی‌تواند از طریق تکنولوژی‌های جدید بازتولید شود.

علاوه بر این، بسیاری از جوامع بومی و محلی که تجسم شیوه زندگی سنتی هستند، وابستگی نزدیکی به منابع زیستی دارند. در حقیقت، هویت جمعی اقوام بومی وابستگی فراوانی به موجودیت تنوع زیستی و در نتیجه استفاده پایدار از گونه‌ها و ارقام گیاهی برای غذا و کشاورزی و یا استفاده‌های دارویی وابسته دارد.

ورود و گسترش استفاده از تکنولوژی در تولید محصولات کشاورزی در کنار نتایج مثبت و عملکرد در خور توجهی که به ویژه در زمینه افزایش عملکرد در پی داشته است، آثار منفی محیط زیستی گسترده‌ای نیز به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین این موارد، تأثیرات مهمی است که بر تنوع زیستی در جهت کاهش و حتی نابودی آن، داشته است.

در راستای مواجهه و تاب‌آوری در مقابل آثار مخرب و نامطلوب کشاورزی صنعتی بود که مفهوم و رویکرد کشاورزی پایدار متبلور شد. روش‌های پایدار کشاورزی علاوه بر آنکه می‌تواند نقش مثبتی در مدیریت اکوسیستم طبیعی بازی کند، این امکان را برای کشاورزان فراهم می‌کند که از بذره‌های متنوع و تنوع ژنتیکی بالاتری بهره ببرند.

تنوع زیستی، منبعی تجدیدناشدنی در محیط زیست به شمار می‌رود و کشاورزی و روش‌های پایدار کشاورزی نقش بسیار مهمی در حفاظت از تنوع زیستی ایفا می‌نمایند. عوامل مختلفی می‌توانند در حفاظت و یا آسیب به تنوع زیستی نقش بازی کنند. در چارچوب حقوقی، اعطای حقوق انحصاری مالکیت معنوی بر ارقام گیاهی کشاورزی و توزیع و گسترش استفاده از آن‌ها در میان کشاورزان می‌تواند آثار و تبعات مختلفی بر تنوع زیستی داشته باشد. در این مقاله برخی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با این امر، از جمله تأثیر قواعد حقوقی کشاورزی پایدار و حقوق مالکیت معنوی بر حفظ تنوع زیستی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این چارچوب مهم‌ترین اسناد حقوقی بین‌المللی مرتبط، بررسی می‌شوند. در نهایت، در این مقاله نتیجه‌گیری می‌شود که برای حفاظت از تنوع زیستی گونه‌های گیاهی باید میان حمایت از حقوق مالکیت معنوی و حفظ تنوع زیستی، تعادل حقوقی برقرار گردد.

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، مهم‌ترین نهاد درگیر در فرآیند توسعه کشاورزی پایدار، کشاورزی پایدار را «مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی پایه و هدایت دگرگونی‌های تکنولوژی و نهادی در راستایی که متضمن رضای مستمر نیازهای انسانی نسل‌های حاضر و آینده باشد ... توسعه‌ای که، زمین، آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری را حفظ کند، از حیث محیطی غیر مخرب، از لحاظ تکنولوژی مناسب، از نظر اقتصادی کارآمد و از لحاظ اجتماعی قابل پذیرش است.» می‌داند. این تبیین، نشان می‌دهد که کشاورزی پایدار مفهومی ثابت نبوده و کاربرد روش‌های متفاوت تولید پایدار کشاورزی در گونه‌گونی این تبیین تاثیر گذار است. به عبارت دیگر آنچه در کشاورزی پایدار ثابت است چارچوب پایداری است که دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و حقوقی است.

در مجموع باید اینگونه بیان نمود که کشاورزی پایدار، با استفاده از روش‌های دوست‌دار محیط زیست، با کم‌ترین آلودگی، با بهره‌گیری از بذره‌های سازگار شده با وضعیت کشاورزان و اقلیم و همچنین با گسترش تنوع استفاده از گونه‌های مختلف محصولات کشاورزی، تلاش می‌کند مانع از کاهش تنوع زیستی شود که در دهه‌های اخیر با سرعتی باور نکردنی در حال رخ دادن است. در واقع باید گفت که میان کشاورزی پایدار و حفظ تنوع زیستی رابطه تنگاتنگ و محکمی برقرار است.

قانون‌گذاران در گذشته تلاش کرده‌اند که با توجه به نوع ابداع، ابتکار و یا اختراع، نظام حقوقی حمایتی ویژه‌ای برای حمایت از حقوق مالکیت فکری صاحب ابتکار ایجاد کنند. نظام‌های حمایتی، عبارتند از تاسیسات حقوقی که هر یک به نحوی از نوآوران حمایت می‌کنند. یکی از زمینه‌های نوآوری، ابداعات در چارچوب فناوری زیستی هستند. یکی از زمینه‌های استفاده از فناوری زیستی، گیاهان هستند که بحث به نژادگیری گیاهان در مورد آنها وجود دارد. اگر چه به نژادگیری گیاهان از گذشته مرسوم بوده است، اما روش‌های به نژادگیری ژنتیکی گیاهان، از جمله پیشرفت‌های نوین فناوری زیستی اند که نوعی ابداع محسوب می‌شوند. وقوع این پیشرفت‌های تکنولوژیکی، مسائل حقوقی بسیاری را به وجود آورده است. از یک سو در جهان امروز نمی‌توان بالکل حقوق حاصل از نوآوری و ابتکار را نادیده گرفت و از سوی دیگر حقوق مشروع کشاورزان محلی خرده‌پا بر دسترسی، تبادل و ذخیره بذر خودمصرفی در تقابل با انحصاری بودن حقوق مالکیت معنوی گونه‌های گیاهی مطرح می‌شود. به‌ویژه آنکه در نظر بگیریم پایه اساسی تمامی فعالیت‌های به نژادگیری‌های صنعتی-آزمایشگاهی، ارقام بومی هستند که کشاورزان محلی و خرده‌پا در سالیان متمادی به صورت «حفاظت در محل» نگهداری و در عمل به نژاد کرده‌اند.

در همین راستا، هدف اصلی از این مقاله بررسی این امر است که چارچوب نظام حقوق انحصاری مالکیت معنوی گونه‌های گیاهی چه

تأثیری در حفظ تنوع زیستی کشاورزی دارد. و همچنین در تقابل میان حقوق مالکیت معنوی به نژادگران و حقوق مالکیت معنوی جمعی مردمان بومی و جوامع محلی (حقوق کشاورزان)، چه نکاتی را باید مد نظر داشت.

آثار نظام حقوق مالکیت معنوی انحصاری بر کشاورزی پایدار

نظام‌های حقوق مالکیت معنوی به چند طریق بر کشاورزی پایدار تأثیر می‌گذرانند. یک سری از این تأثیرات از انگیزه‌های اقتصادی ناشی می‌شود. مشخص است که افزایش سرمایه‌گذاری به شکل‌گیری و ایجاد ساختارهای صنعتی کمک می‌کند، اما سرمایه‌گذاری نمی‌تواند بدون حمایت از حقوق مالکیت معنوی جذب شود. تجارت بذر و گونه‌های کشاورزی نیز به جهت بازار گسترده و پر رونق آن از یک طرف و اهمیت ویژه‌ای که در زمینه تهیه مواد غذایی دارد از طرف دیگر، بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری است. بنابراین، سرمایه‌گذاری در زمینه تولید و به نژادگیری گیاهان کشاورزی بسیار سودآور است. شرکت‌های سرمایه‌گذار نیز از این امر استقبال می‌کنند. این واقعیت، خود به تمرکز و اجرای حقوق مالکیت معنوی در صنعت تولید بذر منجر می‌شود. خطری که این تمرکز دارد، قیمت بالاتر برای محصولات ابتکاری جدید از قبیل انواع بذرها در بازار است. چرا که زمانی که بذر رقم ثبت شده در بازار عرضه شود، مبلغ حق استفاده و حق نشر نیز به قیمت بذر اضافه می‌شود و با قیمت بالاتری در بازار به فروش خواهد رفت. این امر به شدت بر کار، درآمد و معاش خانوارهای فقیر کشاورزان خرده‌پای جهان سوم تأثیر منفی می‌گذارد. از طرف دیگر، کشاورزی مدرن و صنعتی با هدف دستیابی به میزان انبوه‌تر محصول با کیفیت مشخص، تعداد کمی از ارقام خاص و پرمحصول بذر را به کار می‌گیرد (یعنی درصد پایینی از تنوع ارقام بذر بومی موجود در جهان). این بذرها به هیچ عنوان قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تحول هم کشاورزان و هم زیست محیط طبیعی نیستند. اغلب ارقام پرمحصولی که توسط نظام تحقیقاتی جدید تولید شده‌اند نیاز به کاربرد کودها، سم‌ها و مواد شیمیایی و آب بسیاری دارند که هم هزینه‌بر است و هم از نظر اقلیمی و تغییرات متمادی آن، پایداری نخواهند داشت.

دومین تأثیر مربوط به تنوع زیستی گونه‌های کشاورزی است که به سرعت در حال کاهش است. امروزه تعدادی از شرکت‌های چند ملیتی فعال در عرصه به نژادگیری ارقام گیاهی، به گونه‌های گیاهی که در داخل کشورهای در حال توسعه و اغلب بر پایه دانش بومی پرورش یافته‌اند، حق ثبت انحصاری اعطا کرده‌اند. با گسترش این روند، کشاورزان مجبور به پرداخت هزینه برای استفاده از محصولاتی می‌شوند که خود آنها این محصولات را طی قرن‌ها استفاده کرده، توسعه داده و از آنها حفاظت کرده‌اند. اعمال حقوق مالکیت معنوی نسبت به ماده ژنتیک گیاه،

کشاورزان را در استفاده از بذر آنها محدود می‌کند، زیرا انواع گوناگون بذر ثبت شده نمی‌تواند برای استفاده آینده به عنوان بذر خود مصرفی که حقوق ثبت انحصاری آن بذر ندارد، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو کشاورزان با خطر وابستگی به عرضه‌کنندگان تجاری نسبت به برخی مواد حیاتی همانند بذرهای مواجه هستند. در طی گذشت زمان‌های طولانی‌تر ممکن است این مسئله جانشین‌های کاشت را برای جوامع و کشاورزان بومی و محلی کاهش دهد. در نهایت این امر منجر به هم‌شکلی ژنتیک گیاهان و دیگر گونه‌های تجاری شده بذرهای کشاورزی می‌گردد که روز به روز نسبت به آفات و بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر می‌شوند. بنابراین، شیوه و روند تدوین و اجرای نظام‌های فعلی حقوق مالکیت معنوی می‌تواند کاهش تنوع ژنتیکی را باعث شود. به عبارت دیگر، کشاورزان مجبور می‌شوند از بذرهای سنتی و بومی به گونه‌های جدید روی بیاورند. این امر پس از انقلاب سبز و در دهه‌های گذشته با نرخ بالایی رشد کرده است. نتیجه این امر، یعنی استفاده از بذرهای صنعتی یکنواخت از نظر ژنتیکی و به کار نبردن بذرهای بومی با ژنوم متنوع، باعث از بین رفتن حدود ۷۵٪ از تنوع غلات در قرن بیستم بوده که به معنای کاهش انواع مقاوم گونه‌های گیاهی مورد نیاز است.

چارچوب کلی کنوانسیون حمایت از ارقام جدید گیاهی

مهم‌ترین چارچوب حقوقی در زمینه حمایت از گونه‌های گیاهی که به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته است، عضویت در اتحادیه بین‌المللی حمایت از گونه‌های گیاهی جدید، نهاد تأسیس شده بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از گونه‌های جدید گیاهی است. بر اساس این کنوانسیون از حقوق مبتکرین و به‌وجود آورندگان گونه‌های جدید گیاهی یعنی از حقوق مالکیت معنوی مبتکرین رسمی به طور قوی حمایت شده است.

این کنوانسیون از زمان تصویبش در پاریس در ۱۹۶۱ تاکنون چندین بار در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۸ و ۱۹۹۱ میلادی اصلاح گردیده است. اتحادیه فوق با هدف تخصیص حقوق انحصاری به به‌نژادگران ارقام جدید گیاهی بنیان نهاده شد. بر مبنای این حقوق، بخشی از سود حاصل از فروش رقم گیاهی ثبت شده به نام به‌نژادگر به وی تعلق می‌گیرد. این بدان معناست که زمانی که شخصی بخواهد از رقم گیاهی که به نام فرد به‌نژادگری ثبت شده‌است استفاده نماید، باید مبلغی را تحت عنوان حق استفاده به به‌نژادگر بپردازد. حق انحصاری به‌نژادگر که توسط این اتحادیه تعریف شده است، نوعی حق مالکیت معنوی است. این نوع مالکیت به حمایت از محصولی که برای اولین بار تولید شده و یا توسعه‌ای که برای اولین بار صورت گرفته است می‌پردازد و در واقع پشتیبان منافع سرمایه‌گذارانی است که در عرصه مربوطه به فعالیت مشغولند.

تغییرات مصوبات در کنوانسیون ارقام جدید گیاهی در طول زمان نشان می‌دهد که این اتحادیه روز به روز موضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به بهره‌برداری از بذر اتخاذ می‌نماید. دو نسخه ابتدایی که شامل مصوبات ۱۹۶۱ و ۱۹۷۸ میلادی است بیشتر به قوانین حق نشر شبیه است که به موجب آن کشاورزان می‌توانستند در ازای یک بار پرداخت حق استفاده به به‌نژادگر، به نگهداری و تکثیر بذر در سال‌های بعد بپردازند و هیچ قانونی آنها را از انجام این کار منع نمی‌کرد. اما مصوبه سال ۱۹۹۱ میلادی نسبت به دو نسخه قبل موضع سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ نموده است. این مصوبه به طور کلی حق استفاده از بذر خود مصرفی را از کشاورزان سلب می‌نماید مگر اینکه در قانون داخلی آن کشور اجازه استفاده از این بذر ذکر شده باشد که البته در این صورت نیز، اتحادیه محدودیت‌های خاصی را در این زمینه به کشورهای عضو تحمیل می‌نماید.

عضویت در اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی و وضعیت کشاورزان خرده‌پا

حامیان عضویت در اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی دلایل متعددی برای توجیه لزوم این عضویت برمی‌شمارند. به عنوان نمونه آنها استفاده از حقوق انحصاری به‌نژادگر را مایه پیشرفت و بهبود بخش داخلی و خصوصی به‌نژادگری و صنعت بذر می‌دانند. اما مخالفان اتحادیه به این نکته اشاره می‌کنند که توسعه و گسترش این بخش در کشورهای توسعه یافته از ۱۰ الی ۲۰ سال پیش از تأسیس اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی آغاز شده است، در نتیجه، این تفالوت آشکار، ادعای وابستگی پیشرفت صنعت بذر به اجرای حقوق انحصاری به‌نژادگر را زیر سؤال می‌برد. به علاوه می‌توان به نمونه‌هایی از کشورهای دیگر همچون هندوستان و اوگاندا اشاره کرد که بدون پیروی از قوانین و مقررات اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی از صنعت بذر بسیار کارآمدی برخوردارند.

اگر چه نمی‌توان این نکته را انکار کرد که تدوین و اجرای یک نظام قدرت‌مند حقوق مالکیت معنوی در هر زمینه‌ای از جمله ارقام جدید گیاهی، یکی از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری در آن بخش و افزایش مشارکت بخش خصوصی خواهد بود، اما نباید فراموش نمود که سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به شرایط دیگری چون وضعیت اقتصادی و شاخص‌های تجاری آن کشور نیز بستگی دارد و نمی‌توان صرف عضویت در اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی را متضمن جذب سرمایه تلقی کرد.

یکی دیگر از ادعاهای حامیان اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی، افزایش تعداد ارقام بذر زراعی با کیفیت و به تبع آن افزایش حق انتخاب کشاورزان است. بنا به گزارش اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی و گزارش بانک جهانی، پس از عضویت برخی کشورهای توسعه یافته در اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی، تعداد ارقام برخی از محصولات

در این کشورها افزایش یافته است. اما در اغلب موارد، این ارقام جدید تجاری تنها مناسب حال کشاورزانی است که قدرت خرید هر ساله بذر از صنایع بذر و همچنین تمامی نهاده‌های مورد نیاز این بذرها (سم، کود، و غیره) را دارند. کشاورز خرده‌پا توانایی خرید این بذرها را ندارد و لذا از بذر خود مصرفی استفاده می‌کند. بنابراین، حتی اگر بذرها تولید شده توسط شرکت‌های تولید کننده بذر مناسب و متنوع هم باشند، به دلیل قیمت بالا و وابستگی زیاد به نهاده‌های شیمیایی، مورد استفاده کشاورزان خرده‌پا قرار نمی‌گیرند و در نتیجه در تحقق حق بر غذای کافی جوامع روستایی و فقیر نقش چندانی ایفا نمی‌کنند.

به علاوه حاکمیت قوانین اتحادیه حمایت از ارقام جدید گیاهی، می‌تواند پیامدهایی مانند تسریع در فرسایش ژنتیکی یعنی از بین رفتن ارقام بومی به دلیل استفاده از بذرها یکنواخت از نظر ژنتیکی و کنار گذاشته شدن بذرها متنوع بومی را به همراه خواهد داشت. فرسایش ژنتیکی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های محیط زیست و کشاورزی پایدار به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

اگر چه دستاوردهای حاصل از کشاورزی مدرن به ویژه در زمینه به‌نژادی مدرن موفقیت‌هایی دست کم در زمینه افزایش عملکرد محصولات کشاورزی داشته است؛ با این وجود، میلیون‌ها کشاورز خرده‌پا در کشورهای در حال توسعه از نتایج دستاوردهای پیشرفت علم در کشاورزی بی‌بهره هستند. اکثر این کشاورزان در مزارع کوچک با شرایط سخت و نامناسب امرار معاش می‌کنند و پذیرش ارقام به‌نژاد شده جدید به همراه حقوق انحصاری مالکیت معنوی آنها، برای این دسته از کشاورزان مقدور نیست.

در حقیقت، در چارچوب کنوانسیون حمایت از ارقام جدید گیاهی، هدف اساسی عبارت است از اجرایی کردن حقوق انحصاری مالکیت معنوی بر روی گونه‌های گیاهی و ممانعت از دسترسی آزادانه کشاورزان خرده‌پای محلی به بذر برای کشاورزی و در نتیجه - و با وجود شعار حمایت از کشاورزان خرده‌پا و رفع گرسنگی در جهان - حمایت از کشاورزی صنعتی و کسب سود بیشتر برای صنعت چند ملیتی بذر است. برای رسیدن به این هدف، اتحادیه UPOV محدودیت‌های حقوقی و اقتصادی را به کشاورزان تحمیل می‌کند تا تمامی تبادلات بذر خود مصرفی را ممنوع و آنها را محکوم به نابودی نماید. کشاورزی که حق استفاده از بذر خود مصرفی نداشته باشد، ناچار می‌شود به بذور (و البته سم و کود شیمیایی) شرکت‌های چند ملیتی روی آورده و در نهایت به این محصولات وابسته می‌شود. می‌توان گفت که این روند نوعی رقابت‌زدایی است زیرا رقیب اصلی شرکت‌های بذر خود کشاورزان هستند که با استفاده از بذر خود مصرفی نیازهای خود را

برآورده می‌کنند. بر اساس کنوانسیون حمایت از ارقام جدید گیاهی، در قانون کشورهایی که عضو اتحادیه هستند، به کشاورزان اجازه استفاده از بذر خود مصرفی داده نمی‌شود و کشاورزان نه تنها تحت هیچ شرایطی حق فروش و تبادل بذر خود مصرفی را چه در بازار جهانی و چه در بازار محلی ندارند، بلکه حتی اجازه ندارند بذر مزبور را به عنوان هدیه به کسی ببخشند. این در حالی است که خرید و فروش یا تبادل غیر رسمی بذر در سطح محلی نقش مهمی در تولیدات کشاورزی دارد. در نتیجه به نظر می‌رسد با توجه به تناقضات و تعارض‌های ایجاد شده، دولت‌ها باید در کنار توجه به حمایت از حقوق مالکیت معنوی به‌نژادگران صنعتی و حفاظت از حقوق مشروع آنها در تجاری کردن ارقام گیاهی، باید به نقش و جایگاه کشاورزان خرده‌پای محلی در زمینه حفاظت از گونه‌های گیاهی و ذخایر ژنتیک گیاهی توجه داشته و حقوق آنها را نیز در زمینه حق آزادانه بر دسترسی به بذر را محترم شمرده و در نظام حقوقی خود، میان این دو تعادل و توازنی متناسب ایجاد کنند.

منابع

- رحمانیان، م، ۱۳۸۸، عضویت ایران در اتحادیه بین‌المللی حفاظت از ارقام جدید گیاهی، گامی به سوی اهداف کلان کشاورزی، پژوهشنامه توسعه پایدار و محیط زیست، شماره ۴۳، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، صص ۸۱-۱۱۰.
- زاهدی، ش، ۱۳۸۵، مدیریت توسعه کشاورزی پایدار، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵۰، صص ۴-۱۶.
- کوروکولاسوریا، ل، رابینسون، ن، ۱۳۹۰، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه حسینی، میلادی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- CGIAR, 1995, Renewal of the CGIAR Sustainable Agriculture for Food Security in Developing Countries, Ministerial - Level Meeting, Lucerne, Switzerland.
- Kloppenburg, J., Kleinman, D, 1988, seeds of controversy: national property versus common heritage, in Jack Kloppenburg, J. (ed.), Seeds and Sovereignty: The Use and Control of Plant Genetic Resources. Chapel Hill, NC: Duke University Press, pp. 173-203.
- Lim, M., Developing International Law for Trans boundary Biodiversity Conservation, 118th Annual Conference, Australian New Zealand Society of International Law, International Law in the Second Decade of the 21st Century: Back to the Future or Business as Usual?, Australian National University - Canberra, 24-26 June 2010, pp 1-31.
- Louwaars, Niel, 2006, Intellectual Property Rights: Designing Regimes to Support Plant Breeding in Developing Countries, World Bank (Agriculture and Rural Development Department), Washington, DC.
- Louwaars, Niels, Plant variety protection in developing countries: A report from the field, Food Policy, Volume 32, Issue 3, June 2007.